

تکاپوی صدا و سیما برای توجیه طرح صیانت یا محدودیت اینترنت

واکنش منفی افکار عمومی به طرح موسوم به «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» در مجلس انقلابی، صدا و سیما را تکاپو انداخته تا ملتی را از سوء تفاهم به درآورد که هان ایهاالناس! این قطع و قتل و کاهش و محدودیت اینترنت نیست و قرار نیست شبکه های پرترفدار و محل مجازی کسب و کار مردم را ممنوع و تعطیل کنند و ریز و درشت، کارشناس می‌آورند تا همین را بگویند. یکی وعدهٔ اصلاح بدهد و دیگری رفو کند!

به گزارش سایت خبری پرسون، مهرداد خدیو نوشت: واکنش منفی افکار عمومی به طرح موسوم به «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» در مجلس انقلابی، صدا و سیما را تکاپو انداخته تا ملتی را از سوء تفاهم به درآورد که هان ایهاالناس! این قطع و قتل و کاهش و محدودیت اینترنت نیست و قرار نیست شبکه‌های پرترفدار و محل مجازی کسب و کار مردم را ممنوع و تعطیل کنند و ریز و درشت، کارشناس می‌آورند تا همین را بگویند. یکی وعدهٔ اصلاح بدهد و دیگری رفو کند!

به همین بهانه می‌توان پرسید:

۱. اگر چنین است چرا طرح را به گونه‌ای ننوشتند تا این گونه‌ها تفسیرها صورت نگیرد؟

۲. شاید در صدا و سیما توجیه کنند که از قوهٔ مقننه دفاع می‌کنند. دفاع از مجلس کار خوبی است اما چرا اگر مجلس در دوره‌های قبل و خصوصاً مجلس ششم طرحی تصویب می‌شد یا سخنی می‌گفتند که نمی‌پسندیدید مجلس را به توپ می‌بستند و حداقل چهره های مؤثر آن را بایکوت می‌کردند اما حالا مدافع آن شده‌اند؟ جز این است که نه از این مجلس و نه از صدا و سیما، صدای اکثریت جامعهٔ تحول‌خواه و نوگرای و انزواستیز ایران شنیده نمی‌شود و از این حیث اشتراک دارند؟ (اگر نخواهیم به تعلق فکری هر دو به جبههٔ پایداری بپردازیم).

۳. صدا و سیما که اصرار دارد شبه کارشناسان حامی طرح را دعوت کند چرا سراغ ده‌ها و صدها چهرهٔ سرشناس مخالف نمی‌رود؟ چرا آن البته روشن است. چون صدا و سیما نه یک رسانه با تعریف مصطلح در علوم ارتباطات که یک سازمان تبلیغاتی است که پای موضوعات سیاسی که در میان باشد برای القای یک موضوع بسیج می‌شوند و برنامه می‌سازند و بوق را برمی‌دارند. در این بوق یک روز در نقد و نفی برجام دمیده می‌شد و یک ماه بعد اگر فرمان برسد که قرار است برجام احیا شود در مقام تأیید در آن می‌دمند. مرحوم ممد بوقی و سهراب بوقی در امجدیه و آزادی هم کاری به روند بازی نداشتند. بلکه در حمایت از قرمز و آبی می‌دمیدند اما انبوهی از هواداران را خوش‌حال می‌کردند. این بوق اما نسبتی با علاقهٔ کثیری از مردم ایران ندارد که اصلاً به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به مثابه مفری از دست همین بوق می‌نگرند.

۴. اگر طرح در خدمت مردم است چرا آقای حسینی‌بای را به خیابان‌ها نمی‌فرستند و نظر مردم را جویا نمی‌شوند؟ اما نه. پای اینترنت و مجلس انقلابی در میان باشد به خیابان نمی‌توان رفت.

۵. در میان کارشناسان وشبه کارشناسان گمنام، یک استاد زبان و ادبیات فارسی و یک استاد حقوق را هم دعوت کنند تا از اولی بپرسند آنچه در این طرح آمده معنی واژهٔ «صیانت» است یا «محدودیت، کنترل و شیفت از شبکهٔ جهانی اینترنت به شبکهٔ محدود داخلی» از آن مستفاد می‌شود و از دومی هم بپرسند مصداق صیانت از حقوق است یا نقض حق آزادی بیان و حق انتشار آزاد اطلاعات؟

۶. چرا کارشناسان تجارت الکترونیک و گردشگری را نمی‌آورند تا بپرسند این طرح چه بلایی بر سر بازار و توریسم می‌آورد؟ شاید بگویند اینستاگرام را که نمی‌خواهیم ببندیم. خوب اگر نمی‌خواهید اینستاگرام را ببندید پس چی را می‌خواهید ببندید؟ تلگرام را که قبلاً فیلتر کرده بودید. می‌خواهید به حضور رسانه های رسمی در فضای تلگرام پایان دهید و کل این امکان را به دشمنان جمهوری اسلامی و شبکه های شایعه پراکن بدهید؟ این همه عقل و هوش و تدبیر را از کجا آورده‌اید آخر؟!

۷. شاید توجیه کنند که در برابر هجوم خبری شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان خصوصاً مثلث تلویزیون‌های «ایران‌اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی و من و تو» نمی‌توانیم ساکت بنشینیم و باید آتش تبلیغات آنان را خنثی کنیم.

آنها اما دنبال سوژه‌اند و این سوژه را هم خودتان داده‌اید. سوژه را می‌دهید و بعد می‌خواهید خنثایش کنید؟ اگر مجلس، ربطی به صدا و سیما نداشت و واقعا اکثریت جامعه را نمایندگی می‌کرد باز قابل توجیه بود ولی حالا که یک روح در دو بدن هستند می‌توان پرسید تبعات آن را نمی‌دانستید؟ تازه اگر موفق شوید و کل اینترنت را قطع کنید باز بر شمار مخاطبان این سه افزوده‌اید.

۸. حتی اگر نیت صدا و سیما خیر باشد و واقعا دنبال بیان از حقوق کاربران یا اصلاح این طرح که اگر هم نهایی شود به خاطر «هشتاد و پنجمی» بودن، آزمایشی خواهد بود، باز از صدا و سیما پذیرفته نیست چون همواره از انحصار حمایت کرده و یک پای هر اتفاق منحصر کنندهٔ رسانه‌ای است و پای خود را به شبکهٔ نمایش خانگی با مجوز ارشاد هم دراز کرده چه رسد به اینترنت که بی اجازهٔ صدا و سیما وصل شده است.

۹. درست ۳۰ سال پیش و در همین تابستان و در مرداد داغ ۱۳۷۰ خورشیدی عصر یک روز جمعه شبکه اول سیما برنامه‌ای درباره ماهواره داشت با دو میهمان: محمد هاشمی رییس وقت سازمان صدا و سیما و سید محمد خاتمی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رییس سازمان (هاشمی) با اشاره به بزرگی دیش‌های صدا و سیما می‌گفت اینها را چطور می‌خواهند در خانه‌ها نصب کنند و به لحاظ فنی ناممکن می‌دانست اما وزیر ارشاد (خاتمی) می‌گفت: مشکل فنی که ندارند و اندازه دیش‌های خانگی هم کوچک می‌شود تنها بحث مطرح از نظر حقوقی است و این که مرزهای کشورها چه می‌شود و آیا نقض حقوق نیست و اگر هم باشد کی می‌خواهد از کی شکایت کند؟

صدا و سیما اگر آن «جنگ هفته» در ۳۰ سال قبل را پخش و قانون منسوخ شده ممنوعیت به کارگیری ادوات و تجهیزات ماهواره ای را یادآوری و بررسی کند آنگاه روشن خواهد شد که چقدر تجربه اندوخته‌ایم؟ اگر ۳۰ سال طول کشید تا به این نقطه برسیم اینترنت ماهواره‌ای اندک زمانی بعدتر از راه می‌رسد.

۱۰. در برنامه‌های بعدی یک کارشناس از حوزه‌های امنیتی هم دعوت کنید تا به شما بگوید اگر بخشی از خشم و اعتراض در فضای مجازی تخلیه شود بهتر و امن تر از خیابان است!

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: عصر ایران